

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه بیست و چهارم، ۱۱ آبان ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل بورس /وکالت اولین قدم برای ورود به بورس و اقسام وکالت در بورس

1. حدیث اخلاقی (وساطت در رفع حوائج دیگران)

چون ایام متعلق به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) است و در آستانه ولادت ایشان هستیم و هفته ولادت ایشان است، حدیث اخلاقی امروز را از موعظه‌های حضرت انتخاب کردیم.

0.1- موعظ معصومین علیهم السلام راهگشای مشکلات اجتماعی و اخلاقی

واقعا این موعظ پیغمبر (صلی الله علیه وآله)، قابل دقت و تحلیل است؛ یعنی باید جمع علما و متخصصان و پژوهشگران بنشینند و برای هر یک از این موعظه‌ها رساله‌های علمی بنویسند و تحلیل علمی هم بشود. اگر واکاوی و بررسی شود و جوانبش تحلیل شود، اکثر آسیب‌های اجتماعی و نفسانی و اخلاقی انسان‌ها با این موعظه‌ها برطرف می‌شود؛ چون وجود پیامبر صلی الله علیه وآله به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، «طیب دوار بطبه [1]» است؛ طیبی هستند که خانه‌نشین نیست و به سراغ مریض می‌رود؛ به سراغ مریض رفتن این نیست که مریض به سراغ او بیاید و مریضی‌اش را مطرح کند؛ خود حضرت به سراغ او می‌رود. و مراد از این مریض هم بیشتر، مریض اخلاقی است که متأسفانه همه‌مان - برای خودم می‌گویم - مریض اخلاقی هستیم و باید درمان شویم تا به کمالات برسیم. حدیث امروز خیلی حدیث عجیبی است. در تحف العقول، قسمت موعظ پیغمبر صلی الله علیه وآله، حدیث است و درمجامع دیگر هم موجود است.

0.2- آثار اخروی وساطت در حاجت دیگران

من موعظ النبی صلی الله علیه وآله وسلم:

«أبلغوني حاجة من لا يستطيع ابلاغني حاجته فإنه من أبلغ سلطانا حاجة من لا يستطيع إبلاغها، ثبت الله قدميه على الصراط يوم القيامة [2].»

خیلی حدیث عجیبی است! حضرت فرمودند: حاجت کسی که توانایی رساندن حاجتش را ندارد، به من برسانید. و حضرت فرمودند: اگر کسی نیازی به من دارد و شما دسترسی به من دارید و دیگران ندارند، واسطه شوید دست او به من برسد. «فإنه من أبلغ سلطانا» -

«سلطانا» یعنی کسی که مسلط بر یک حاجت باشد؛ به عبارتی یعنی بتواند نیاز یک نیازمند را برطرف کند؛ کلی است: به قلمی، به قدمی، به درمی، به خدمتی، به حرفی و سخنی و ملاطفتی - کسی که برساند به کسی که نیاز نیازمندی را برطرف کند که خودش دسترسی به آن شخص ندارد، نمی‌تواند به او برسد، خدا به نتیجه این ابلاغ حاجت و واسطه‌گری رفع حاجت دیگران، قدم‌هایش را روز قیامت در صراط تثبیت می‌کند. رفع حاجت دیگران خیلی مهم است؛ به هر طریقی که شده است.

0.3- توصیه به رفع حاجت از دیگران یا وساطت در حاجت دیگران

برای همین توصیه می‌کنم اعزه من، سروران من، فضیلابی محترم، علمای مکرم تا می‌توانید به هرگونه رفع نیازی از نیازمندی کنید؛ چه علمی، چه عملی، چه اقتصادی، چه فرهنگی، حتی سیاسی، به هر نحوی که می‌توانید نیاز حاجتمند را برطرف کنید و مهم‌تر علاوه بر اینکه خودتان برطرف می‌کنید، گاهی واسطه در ابلاغ حاجت دیگران شوید. و این خیلی مؤثر است. ما نباید کاری که به دستمان برمی‌آید از انجام آن کار خدای نکرده، شانه خالی کنیم که دیگران انجام بدهند؛ خودمان باید سبقت بگیریم.

0.4- خاطرهای استاد از رفع نیاز دیگران

از باب نمونه عرض می‌کنم؛ ﴿هذه بضاعتنا ردت الینا﴾ [3] بحمدالله رب العالمین این استخاره‌هایی که برای بزرگان و دیگران می‌گیریم، شبی کسی واسطه شد من استخاره بگیرم برای کسی که کار مهمی داشت و مردد بود؛ استخاره گرفتیم؛ الحمدلله، رب أنعمت فزد. شب برای من تمثلی پیش آمد؛ در خواب دیدم بزرگانی از علما، مشرف هستند و نشسته‌اند و محفل، گرم مباحث علمی است؛ در این بین که گرم مباحث علمی است، دیدم همان کسی که واسطه در قضای حاجت این طرف شده بود، پیامی آورد که به واسطه فلانی، فلانی باید چنان مطلبی در فلان جا بگوید. دیدم، آثار همان بود؛ کتاب را لحظه‌ای کنار گذاشتم و جواب استخاره شخصی را دادم و دوباره مشغول مطالعه‌ام شدم. گاهی ضرورت اقتضا می‌کند ما ضرورت سنجی کنیم، اولویت بندی کنیم؛ چه بگوییم، چه بشنویم و چگونه بگوییم و چگونه بشنویم. پیام فرمایش حضرت این است که تا می‌توانید حاجت مردم را برطرف کنید و واسطه حاجت مردم شوید. در تفسیر ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾ [4] عرض کردیم اگر می‌خواهیم از پل صراط ثابت قدم بگذریم، حاجت دیگران را ولو با واسطه انجام دهیم. اگر کاری دست‌تان برمی‌آید برای کسی یا شخصی ولو واسطه در انجامش بشوید، برای معرفی کردن به مسئولی یا شخصیتی حتما این کار را انجام دهید.

0.5- توصیه به مسئولین برای رفع حاجت دیگران

و این برای همه مسئولین پیامی دارد که مسئولیت، نعمتی برای آنها است. برطرف کردن حوائج، نعمت و توفیقی است؛ قدر این توفیق را بدانند و خدوم به دیگران باشند. خدمت گزار به این مردم باشند؛ بخصوص در الآن که این ویروس منحوس این گونه ویرانگری می کند، باید این خدماتهای عمومی بیشتر شود. ان شاء الله مسئولین در رفع حوائج مردم گام بیشتری بردارند و در حوزه مسئولیتشان، خدماتهای بیشتری کنند؛ چه قاضی، چه مسئول اجرایی، چه مسئول فرهنگی، چه حوزه و چه دانشگاه؛ هر طور می توانند در رفع حوائج مردم بکوشند تا در قیامت ثابت قدم باشند. و در یک جمله عرض می کنم عبور از صراط و نلغزیدن بر آن، مقدمه اش بر طرف کردن حوائج مردم و واسطه شدن در آن است.

1- خلاصه جلسه گذشته

بحمدالله در بحث فقه و مطالب راجع به بورس به این نتیجه رسیدیم که بورس، بازاری است که در آن کارگزارهای مختلف و اشخاص حقیقی و حقوقی، عملیات خرید و فروش را در این بازار امروزی معروف به بورس، مشغول فعالیت هستند؛ آنچه مورد معامله آنها است، خرید و فروش می کنند. اوراق بهادار یا اجناس و کالاهای دیگر است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، خرید و فروش می شود.

از مجموع صحبت های جلسات گذشته، به این نتیجه رسیدیم که شخصیت حقیقی و حقوقی داریم. در شخصیت حقیقی، معاملات شک و شبهه ای نداشت و در عصر نبی صلی الله علیه و آله و شارع مقدس هم رایج بود. تا حدودی رسیدیم که نه مثل نمونه های امروزی، بلکه مشابه نمونه های امروزی در زمان ائمه معصومین علیهم السلام و در زمان نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و شارع، وجود داشت؛ از باب تمثیل می توان گفت: معاملاتی که امروز هستند، از این باب که منشأ سیره عقلا که آن زمان بود، الان هم هست. به ادله لفظی هم جایز است.

این بورس که آداب خاصی در تجارت و بازرگانی امروز دارد، مورد تایید شارع مقدس است. و شارع مقدس، نفی این نوع معاملات برایش ثابت نشده است.

2- اولین مرحله ورود در بورس وکالت دادن به کارگزار بورس

روش معاملات این است که کسی که وارد بورس می شود، یکی از شرایطش این است که سراغ یکی از کارگزاران در بورس برود. کارگزاران در بورس، کارشناس ها یا واسطه ها یا دلال هایی هستند

که اینها در بورس مشغول کارشناسی هستند؛ یا به عبارت بهتر کار اصلی‌شان، مشورت دادن و مشورت گرفتن در خرید و فروش است؛ درست است که شاید برخی جهات الآن رعایت نشود.

برای همین برای پذیرش کارگزارها وقتی به شرایط بورس مراجعه می‌کنیم - با توجه به مواد بورس و قوانین تالار بورس عرض می‌کنم، و فرق نمی‌کند چه بورس جهانی و چه ایران؛ بخصوص که الآن بورس ایران را می‌گوییم - کارگزاران، باید افراد خبره باشند. و به قول خود سازمان بورس، باید کارگزاری آنها احراز شود، باید مورد اعتماد باید باشند، حسن سابقه داشته باشند و تخصص این کار را داشته باشند.

شخصی که به بورس مراجعه می‌کند، اول کاری که باید بکند این است که باید انتخاب کارگزار کند؛ یعنی تحت اشراف کارگزارها کار کند. ۱۱۸ یا ۱۱۹ کارگزار داریم. در بورس ایران کارگزاران اصلی، همین تعداد است. البته منظور، شرکت کارگزاری است نه کارگزار مطلق.

3- اقسام وکالت بین افراد در بورس

3.1- وکالت سهامداران جزئی با کارگزاران

شرکتهای کارگزاری اینها اولین کاری که می‌کنند، واسطه بین کارگزاران جزئی یا سهامداران جزئی هستند. و معمولاً شخصی که برای معامله با بورس و در بورس - ما به این تعبیر عنایت داریم؛ چون بورس را بازار خرید و فروش آزاد می‌دانیم - وارد بورس می‌شود، اینها به کارگزار، یک وکالت می‌دهند، یک قرارداد می‌بندند. خاطر مبارکتان است در بحث دیروز، روایت صحیحی از امام صادق علیه‌السلام عرض کردیم که حضرت فرمودند: «من وكل رجلا علی امضاء امر من الامور، فالوكالة ثابتة ابدًا حتی أعلمه بالخروج عنها كما أعلمه بالدخول فیها [5].»

3.2- وکالت کارگزار اصلی با مدیریت بورس

زمان ورود و خروجش باید اعلام کند. وکالت مشخص است. کارگزار جزئی به کارگزار اصلی یا دلال، وکالت در معامله می‌دهد، امضا و تعهد می‌دهد کارها را انجام دهد؛ گرچه کارگزاران جزئی هم با مدیریت شرکت و بازار بورس، چه جهانی و چه ایرانی، قراردادهایی با کارگزاران اصلی دارند. منظور ما از کارگزاران اصلی، لیدرهای معامله و واسطه‌گرها هستند که سودی دارند و معاملات را انجام می‌دهند؛ آنها هم با بورس قرارداد دارند و بورس آنها را هم مدیریت می‌کند. و کسی که معامله در بورس دارد، سهم عامل‌گری یا کارگزاری باید به کارگزار بدهد، یا سهمی برای محل معامله به بورس بدهد.

4- تشبیه معامله در بورس با معاملات حقیقی

در تشبیه مناقشه نیست؛ مثل این که زمان قدیم یا الآن برود در بازار تهران، قم، نجف، مشهد یا هر کجا مغازه‌ای را اجاره کند، یا بخرد و در آنجا افراد، معاملات‌شان را انجام دهند؛ مثل اینکه در بازار کلی هم حجره‌دارهای مختلف و مغازه‌های مختلف، اجناس مختلف را خرید و فروش می‌کنند. بورس را چنین شخصیت حقوقی می‌دانیم که به شخصیت حقیقی و حقوقی اداره می‌شود؛ و اینها هر یک کار خودشان را انجام می‌دهند؛ البته باید بحث کنیم و بررسی کنیم که کار اینها در معامله‌های مختلف و سهام‌های مختلف، شرعیت دارد یا خیر؟

5- اقسام وکالت در فقه

پس اولین چیزی که در ورود شخص به بورس اتفاق می‌افتد، قرارداد است که در قرارداد، کارهایش را به دیگری محول می‌کند. برای همین اصرار داریم که اولین عنوانی که در آن متعبد هستیم، وکالت است. وکالت هم شرایط مختلفی دارد. در کتاب الوکالة در فقه بحث شده است؛ وکالت، مدت‌دار و بی‌مدت است، یا طولانی است یا با خصوصیتی، در مورد خاص یا عام است، در ملک است، یا غیر آن است.

6- معاملات الکترونیکی و جدید

قطعا در بورس هم کسی که تعهد می‌دهد کارگزار کارش را انجام دهد، ما عرض‌مان این است که همه اینها اختیارات‌شان را به فعالیت‌هایی که امروز، الکترونیک و لحظه‌ای و ساعتی است می‌سپارند؛ با دستگاه‌های کارگزاری که گاهی ربات‌ها معامله می‌کنند - هر چند در زمان قدیم، دستی انجام می‌شد - حتی در ساعت‌های مشخصی دو یا سه ساعت باشد، صبح یا عصر باشد، بازار جهانی یا داخلی باشد، فرقی ندارد. ما عرض‌مان این است که یک بازارگردانی و یک معامله سیال، جریانی است که به روز است و شاید در آینده هم به روزتر شود و طور دیگری شود.

7- استدلال به اطلاق روایات تجارت برای بورس

با توجه به اینکه ما آداب التجارة داریم، باید آداب تجارت را با توجه به مسائل روز که اصل تجارت، قدیمی است و احوالش جدید است، الغای خصوصیت کنیم یا سیره را به جریان بیندازیم یا اطلاقات که گفتیم، بررسی خواهیم کرد؛ نظرمان این است که اطلاقات تجارت شامل بورس هم می‌شود.

مثلا در آداب التجارة ملاحظه کنید؛ روایت عجیبی است. در کافی، کتاب المعیشة، باب ۵۴، باب آداب التجارة، چند حدیث است، در آداب التجارة چندین روایت، بیان می‌شود.

اصبغ بن نباتة بسيار مأنوس با امير المؤمنين عليه السلام بود.

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن أبي الجارود عن الأصبغ بن نباتة قال: «سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) يقول على المنبر: يا معشر التجار (در بعضی از نسخه ها یا معاشر التجار است) الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، والله للربا في هذه الأمة أخفى من دبيب النمل على الصفا، شوبوا أيمانكم بالصدق، التاجر فاجر والفاجر في النار إلا من أخذ الحق وأعطى الحق [6].»

تعبیر عظیمی است! معاشر التجار هم هست.

متجر، مصدر میمی تجارت است که جمعش، متاجر می شود؛ مانند: مکسب که جمعش مکاسب می شود که ما بورس را داخل در متجر یا متاجر می دانیم؛ یعنی این خطاب «الفقه ثم المتجر»، در مورد بورسی ها هم هست.

در برخی نسخه های تهذیب به جای لا الربا، إنّ الربا دارد، فرقی نمی کند.

قسم به خدا که ربای در این امت، مخفی است.

8-7.1، توضیح بعضی از واژه های روایت

دیبب، کرم ظریف است که اگر روی جسم شفاف راه برود، چقدر سخت است. صفا جمع است؛ یعنی سنگ ریزه هایی که صاف هستند و بالا و پایین است و حتی صاف این سنگها هم دست اندازهای ظریف دارد. اگر مورچه ای بر یک جسم صیقلی حرکت کند، چقدر سخت است، نیفتد؛ دیده نمی شود؛ دست انداز را چطور رد می کند؟ اینها نیاز به مراقبت دارد.

حضرت فرمودند: «شوبوا أيمانكم بالصدق»

در برخی نسخه های تهذیب، «بالصدقة» دارد؛ اگر به صدق باشد، یعنی با صداقت و راستگویی پیش بروید؛ اگر صدقه باشد، یعنی قراردادهایتان را به صدقه حفظ کنید و مخلوط کنید؛ معلوم می شود هر کدام باشد، یعنی تاجر باید صادق باشد، تاجر باید به فکر دیگران هم باشد و صدقه دهد؛ چقدر دقیق بیان کردند.

«التاجر فاجر و الفاجر في النار إلا من أخذ الحق و أعطى الحق»؛ مگر کسی که حق بگیرد و حق هم بدهد.

8- ضرورت نظارت شرعی بر بازار بورس داخلی

اول فقه یاد بگیرید بعد تجارت؛ حضرت سه بار فرمودند: «الفقه ثم المتجر» و تکرار کردند؛ این دلیل بر اهمیت بحث تجارت و آداب تجارت است. ببینید، حضرت نهیب عجیبی زدند؛ این نهیب برای همه بورسی‌ها، چه کارگزاران اصلی و چه فرعی، چه سازمان و چه مدیران ناظر بر این معاملات و چه کمیته‌های ناظر بر فعالیت‌های بورس هست. ان‌شاءالله به امید روزی که حوزه فقه‌ای و حوزه نظریه‌پردازی ما، ناظر بر کارهای بورس باشد. ما دست‌مان به بورس جهانی نمی‌رسد؛ فقط باید نظر بدهیم؛ اما نسبت به بورس داخل، عرض می‌کنیم حداقل یک فقیه جوان را ناظر بر مسائل بورس بگذارند و نظرش چیزی باشد که قابل اجرا باشد؛ یعنی نظر ولی فقیه و مراجع را بگیرد و حداقل فقیه بورس‌شناسی باشد که نظریه‌های احتیاطی را بداند و عمل کند.

9-وظایف حوزه‌های علمیه در مباحث جدید مانند بورس

از این‌گونه احادیث استفاده می‌کنیم که تجارت و بورس، نیاز به فقه است. به حوزه‌ها عرض می‌کنیم بیایید بورس را بسازیم؛ بگوییم کدام معامله جایز است و کدام نیست. قسم خوردند که اگر بدون اطلاع از مباحث فقهی باشد، والله به ربا منجر می‌شود. معامله‌ای که در آن سود نباشد، رغبت و پیشرفت نیست؛ ممکن است هم که در آن سود نباشد، پیشرفت نمی‌کند. حضرت از همین هم پرهیز دادند. هنر حوزه‌ها این باشد که معاملات ربوی را از غیر آن جدا کنیم. حوزه هم مانند پزشک متخصص باید نظر بدهد و نظرش باید برای مجامع تجاری، قابل پسند و اجرا باشد. ما عرض‌مان این است که بورس نیاز به آداب بورس و آداب تجارت دارد. ان‌شاءالله ببینیم با توجه به اطلاقات، معاملات بورس چگونه است.

10-نتیجه

نتیجه اینکه اولین کاری که انجام می‌شود، کار واگذاری شرکت‌ها به کارگزاران بورس است که وارد معاملات در بورس و با بورس می‌شوند.

نکته: بعضی از کسانی که با کارگزاری‌ها قرارداد می‌بندند، یکی از شرایط بعضی از کارگزاری‌ها این است که شرط می‌کنند آن شخص با معامله در بورس، آشنایی دارد و ممکن است فرم‌هایی هم پر کنند. اینجا شرط معرفتی به آداب بورس می‌گذارند؛ ولی شاید بعضی همین را هم دور بزنند و ضرر و زیان کنند. ما عرض‌مان این است که اگر کارگزاری‌های بورس به کارگزاران صالح واگذار شود، هیچ‌گاه خریده‌ها به صورت گتره‌ای نخواهد بود.

[1] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٩٦، خطبه ١٠٨.

[2] تحف العقول، ابن شعبة الحراني، ج ١، ص ٥٩.

[3] يوسف/سوره ١٢، آيه ٦٥.

[4] فاتحه/سوره ١، آيه ٦.

[5] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٩، ص ١٦١، أبواب الوكالة، باب ١، ح ١، ط آل البيت.

[6] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٥، ص ١٥٠.